اعتنای شهید ثانی و محقق ثانی به تبحر و علمیت شهید اول در قرائات

خب چیزی که به ذهن من آمد این است که شهید ثانی و محقق ثانی در آن زمان با این زحمات در علم القرائه، وقتی به بزرگی –شهید اول- که امام در قرائت هستند، می‌گویند لایقصر، قوی. چرا ما بهارحتی می‌گوییم شهید گفته‌اند و یک نفر است! حالا در کلام بعدی ها می‌رسیم؛ محقق اردبیلی و شاگردشان؛ از کجا تواتر ثابت می‌شود؟ چرا اینطور می‌شود؟ اینطور به ذهنم آمد؛ حالا گفته طلبگی است و درد و دل است. تفاوت شهید ثانی و محقق ثانی با من این است که ایشان وقتی می‌گویند تواتر عشر برای من ثابت نشده چون باید بروم کار بکنم. ولی شهید اول جزاف گو نیست. کارش را کرده و بعد می‌گوید العشر متواتر؛ لثبوت تواتر العشر. متن ذکری است. فرق شهید ثانی با من چیست؟ شهید ثانی به تواتر عشر جاهل هستند. اما وقتی مقابل شهید قرار می‌گیرند جاهل بسیط است. من که مقابل ادعای شهید در تواتر العشر قرار می‌گیرم جاهل مرکب هستم. تفاوت ما در یک کلمه است. اینطور به ذهنم می‌آید.

خدا مرحوم آقای علاقه بند را رحمت کند. جملات قشنگی داشتند. رحمة الله علیه. می‌گفتند خیلی وقتها در مباحثه نیاز است که جهل مرکب مخاطب را بسیط کنیم و بدون این کار اصلاً بحث پیش نمی‌رود. یعنی وقتی طرف نمی‌داند که نمی‌داند –بالا نشسته است- محکم حرف می‌زند و همه دنیا را به هم می‌بافد. ایشان می‌فرمودند اول باید جهل مرکب را از بین برد. آرام بگوییم شهید ثانی جاهل بسیط است. ایشان نمی‌گوید برای من تواتر عشر ثابت است؛ می‌گوید من مدعی تواتر نیستم. درسش را نخوانده‌ام. اما شهید که می‌گوید بی خود نمی‌گوید «لا یقصر». اما ما بهارحتی می‌گوییم چرا «لایقصر»؟! شهید گفته‌اند، خب گفته باشند! این جور نیست که شهید همینطور بگوید. اینها دینشان بوده، کارشان بوده، درسش را می‌خواندند. حالا این حرف درست است یا نه، من نمی‌دانم. من خودم را با شهید ثانی اینطور مقایسه می‌کنم. شهید ثانی در قبال شهید اول واقعا جاهل بسیط است. یعنی می‌گوید که من نمی‌دانم اما می‌دانم که شهید بی خود نمی‌گوید.

خب جامع المقاصد به این صورت گفته‌اند: «أنّ شهادة الشهید لا تقصر عن ثبوت الإجماع بخبر الواحد».«فحینئذ تجوز القراءة بها»؛ یعنی به عشر.«بل فی الروض»؛ روض شهید ثانی،«انّ تواترها مشهور بین المتأخّرین».

بازبینی #2
ایجاد شده 19 مارس 2024 08:52:05 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 مه 2024 12:33:21 توسط ... .